

کشتار مردم افغانستان، هم تاکتیک، هم استراتژی ۱. م. شیری

تلویزیون خبری «یورونیوز»، روز جمعه، ۶ اوت ۲۰۱۰ گزارش داد: «فرماندهی نظامی ناتو در افغانستان به کشته شدن دهها تن از غیر نظامیان افغانستان در روز پنجشنبه در استان ننگرهار، اذعان کرد و قول داد به بازماندگان مقتولین، غرامت پرداخت نماید». همین تلویزیون در ادامه می افزاید: «تعداد دقیق کشته شدگان معلوم نیست و این عده در جریان حمله هوایی نیروهای ناتو به ماشینهای حامل مردم غیر نظامی که برای شرکت در مراسم تدفین چهارده تن از کشته شدگان در اثر حمله هوایی نیروهای «ائتلاف» به روستای همسایه عزیمت می کردند، کشته شدند».

لازم به یادآوریست که نیروهای اشغالگر امپریالیسم، روز جمعه گذشته نیز ۴۸ غیر نظامی افغان را در هلمند کشتند. البته، این اتفاقات، موارد استثنائی و منحصر بفردی نیستند. نیروهای امپریالیستی در طول دو دهه اخیر، در طول دوره اشغال افغانستان، عراق، یوگسلاوی، فلسطین، پاکستان و دیگر کشورهای جهان، تا کنون صدها بار چنین جنایتی را تکرار کرده، و بدنبال هر بارانیدن بمب به مراسم عزای و عروسی مردم، کشتار انسانها در دهات و روستای نیمه مخروبه، «قول» رسیدگی داده اند ولی، باز تکرار کرده اند.

این حوادث و صدها حائیه مشابه آنها نشان می دهند که کشتار منظم و سیستماتیک مستعمرات و کشورهای اشغالی، نه از روی اشتباه، بلکه، یک تاکتیک هدفمند در خدمت استراتژی امپریالیسم جهانی، برای استقرار و حضور نظامی دائمی در آن کشورها، کاهش جمعیت آنها در بلند مدت و گسیل داشتن سیل تاراجگران امپریالیستی برای غصب کامل سرزمینهای مردم غارت شده دنیاست. بویژه اینکه، این رویکرد امپریالیسم و فاجعه کشتار سیستماتیک مردم بومی در چهار منطقه جهان - اتازونی، استرالیا، آفریقای جنوبی و اسرائیل - قرین «موفقیت» هم بوده است. کشور ایالات متحده آمریکا، بدست برده داران و اربابان مهاجر اروپائی و با کشتار حساب شده مردم اتازونی تشکیل گردید و جمعیت بومی ۱۲ میلیونی آن، در طول سیصد سال به ۲۶۰ هزار نفر تقلیل داده شد. در استرالیا، مستعمره کنونی انگلیس، مردم بومی را قتل عام نموده، کودکان را از والدین شان جدا و در جهت اهداف خود تربیت کردند. تاراجگران اروپائی در آفریقای جنوبی نیز جنایات مشابهی را مرتکب شده، رژیم آپارتاید را تشکیل دادند که در سال نود قرن گذشته به موجودیت آن پایان داده شد. تشکیل کشور اسرائیل (اسرائیل یعنی برگزیدگان خدا) و کشتار و بیرون راندن برنامه ریزی شده مردم بومی از سرزمینهای آباء و اجدادی خویش، یکی از دیگر از دهشتناکترین و رسواترین جنایات سرمایه داری امپریالیستی بشمار می رود که هنوز هم هر روز بیش از روز پیش اوج می گیرد و گسترش می یابد. این سیاست وحشیانه امروز در افغانستان به اجرا گذاشته می شود. طی سالهای اشغال این کشور، میلیونها افغانی مجبور به ترک میهن خویش شده است. آمار دقیق کشته شدگان قطعا معلوم نیست. کشتارهای روزمره غیرنظامیان، تراز و توازن میان میزان زاد و ولد با میزان مرگ طبیعی را به نفع مرگ بر هم زده است. اگر به این وضعیت، آمار متولدان ناقص الخلقه و بیمار هم اضافه شود، عمق فاجعه مردم افغانستان و ابعاد هولناک استراتژی شوم امپریالیسم هر چه بیشتر عیان می شود.

سیاست دو دهه اخیر امپریالیسم با تجزیه اتحاد شوروی آغاز و با تجزیه یوگسلاوی تحت عنوان بالکانیزه کردن، تا افغانستان و عراق و پس از روی کار آمدن باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا، تا بمباران مستمر پاکستان ادامه یافت.

با این تفاسیر، مشکل بتوان باور کرد به این کشتارها نقطه پایان گذارده شود. بخصوص اینکه، آدمکشان حرفه ای امپریالیسم، بدنبال ارتکاب هر جنایتی، بمنظور انحراف افکار عمومی از ابعاد

هولناک جنایت خویش، «مزه» تازه ای را قاطی این تلخی ها می کنند تا آنها را در سایه قرار دهند. فراموش نباید کرد که با شروع جنگهای امپریالیستی دو دهه اخیر، اخبار ساختگی شیوع بیماریهای جنون گاوی، سیاه زخم، آنفلوآنزای پرندگان و آنفلوآنزای خوکی به مهمترین عناوین خبری رسانه های عمده جهان تبدیل گردیدند و همه آنها بعد از انقضای تاریخ مصرف و وارد ساختن خسارات اقتصادی، مالی و انسانی جبران ناپذیر، یکی بعد از دیگری بفراموشی کامل سپرده شدند.

در پی رسوائی چنین تبلیغات مسموم و انحرافی، «اندیشمندان»، «نظریه پردازان» و سیاستمداران امپریالیسم، بفرکر طرح موضوعات مناسب تری افتاده و بدنبال ارتکاب هر جنایتی، مسئله تسلیحات اتمی کره شمالی «گرسنه» و برنامه هسته ای ایران را بموضوع روز تبدیل می کنند. به همین جهت هم بود که در روزهای کشتار مردم بی دفاع و بی پناه افغانستان، «پرونده هسته ای ایران» و احتمال حمله نظامی به کشور ما به موضوع روز تبدیل شد و دریادار مک مولن، با بی حیائی تمام این مسئله را منتفی ندانست. در این میان جالب توجه است، که بسیاری از اپوزیسیون دست آموز به اصطلاح ایرانی نیز که تا کنون در مقابل اشغال افغانستان همچون مردگان چهل روزه سکوت کرده اند، به یک باره همزمان با کشتار مردم زیر ستم مضاعف این کشور، همصدا با یاهو سرایان امپریالیسم، حاکمیت رژیم منحنط جمهوری اسلامی را دستاویز قرار داده، برای انحراف اذهان مردم ایران از ابعاد جنایات امپریالیسم در کشور همسایه ما، به تهدید و شانناژ میهن و مردم ما پرداختند. در این میان، گروهی بنام هیئت سیاسی- اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در رابطه با «پرونده هسته ای ایران» و همچنین بمناسبت سالگرد کشتار زندانیان اسیر بدستور جلالده خمینی، اعلامیه صادر نموده، با کلی «اما و اگر و به شرطی که»، برای تظلم خواهی از دولتهای امپریالیستی که کشورهای بسیاری را به حمام خون تبدیل کرده اند، پناه برده، «دین» طبقاتی خود را در مقابل امپریالیسم ادا می کند. هوچی گران «پیک نت» مثل همیشه، در رابطه با حمله نظامی به ایران، افاضه فرمودند: «پای مرغان را ببندید و همسایه را دزد نکنید». یعنی اگر آقای رفسنجانی را بجای خامنه ای و آقای موسوی را بجای احمدی نژادی بگذارند، هم مسئله انقلاب ایران حل می شود و هم آمریکا به ایران حمله نمی کند. تلویزیون «تیشک»، وابسته به حزب دموکرات کردستان ایران، سنگ تمام گذاشته و با اعلام وفاداری به «دموکراسی» رسوای امپریالیستی، امکانات خود را در اختیار مأموران و جیره خواران علنی امپریالیسم، - نوری زاده، رفعت و امثالهم - قرار داده و خوشحالی خود را از حمله عنقریب امپریالیسم آمریکا به ایران پنهان نکرد (به مصاحبه تلویزیون تیشک با احمد رفعت و یا «شخصیت» هائی را که این تلویزیون به آرم خود تبدیل کرده است، توجه کنید). البته، این سیاهه بلندتر است و این موارد فقط بعنوان نمونه، آورده شدند.

همه این جماعت و همتایان آنها، زحمت اندیشیدن عاقلانه و تفکر سنجیده را بخود نمی دهند تا در مقابل مردم کشور خویش و جهان، این مسائل را حداقل مطرح سازند که:

- امپریالیستهای آمریکا و اروپا و دیگر سگهای زنجیری آنها به چه حقی در افغانستان حضور نظامی دارند که مردم را بطور سیستماتیک می کشند؟

- به چه حقی آمریکا صدها پایگاه نظامی در کشورهای مختلف دایر نموده و جهان را بمناطق تحت فرماندهی نظامی خود تبدیل کرده و یا ناوگان دریائی آمریکا چرا باید در خلیج فارس و دریای عمان حضور داشته باشد؟

- این القاعده و طالبان امپریالیسم ساخته، چگونه «جن و پری» هائی هستند که آدمکشان قدرتمندترین کشور جهان و چهل کشور همپیمانش، در طول قریب ده سال نتوانستند از عهده آنها بر آیند و علی الظاهر، برغم کشتار و تعقیب مستمر، یک روز از عراق سر در می آورند، روز دیگر از یمن و به دیگر روز از آفریقا و یا هر جای دیگری که امپریالیستها بخواهند؟

– با توجه به اقدامات و اعمال امروزی دولتها و نیروهای امپریالیستی در نقاط مختلف جهان، از جمله در افغانستان، اظهارات مقامات این دولتها پیرامون مقولات و ارزشهای بزرگ انسانی، همچون دموکراسی و حقوق بشر، هم از منظر حقوقی و سیاسی، هم از لحاظ اخلاقی و معنوی، چیزی جز توهین و تحقیر بشریت نیست؛

– با توجه به اینکه تعریف ساده تروریسم عبارت است از: **ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و کشتار غیر نظامیان**، اقدامات و عملیات دولتهای امپریالیستی در افغانستان و دیگر کشورهای اشغالی را، هیچ چیزی غیر از تروریسم دولتی نمی توان نامید.

کشتار روزمره مردم افغانستان و دیگر مناطق جنگی، مسئله **انحلال پیمان تجاوزگر ناتو و «پانکی گو هوم»** را به موضوع مبرم امروز تبدیل کرده است و بدون تحقق این دو، نه استقلال و آزادی کشورها ممکن است و نه برقراری دموکراسی و حقوق بشر!

۸ مرداد ۱۳۸۹

www.eb1384.wordpress.com